



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مخدویت

و فرقه های انحرافی

جعفر خوشنویس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهدویت و فرقه‌های انحرافی

نویسنده:

جعفر خوشنویس

ناشر چاپی:

فصلنامه انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	مهدویت و فرقه‌های انحرافی
۶	مشخصات کتاب
۶	مدخل: اصالت مهدویت و ادعاهای باطل
۷	شیخیه؛ ریشه‌ی بهائیت
۷	شیخیه
۷	شیخ احمد احسائی کیست؟
۷	اوصاف احسائی
۸	علماء و احسائی
۸	تحصیلات شیخ
۹	شیخ احمد احسائی و تشیع
۹	کشفیه
۹	سید کاظم رشتی کیست؟
۱۰	تألیفات
۱۰	سید کاظم رشتی و مهدویت
۱۱	پاورقی
۱۱	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مهدویت و فرقه‌های انحرافی

مشخصات کتاب

مؤلف: جعفر خوشنویس

بر گرفته از: مجله انتظار، فصلنامه علمی - تخصصی ویژه امام مهدی (عج)

تدوین: علی لاری

سال: اول

شماره: اول

تاریخ: پاییز ۱۳۸۰

مدخل: اصالت مهدویت و ادعاهای باطل

نوشته‌ی حاضر، تقریر سلسله درس‌های « مهدویت و فرقه‌های انحرافی » از استاد جعفر خوشنویس است که در مرکز تخصصی مهدویت وابسته به بنیاد حضرت مهدی موعود (عج) در قم، برای جمعی از طلاب و دانش پژوهان ارائه شده است. از تلاش حجت الاسلام لاری از دانش پژوهان کوشای این دوره برای تدوین این درس‌ها، سپاس گزاری می‌شود. مسأله‌ی حضرت بقیه الله الاعظم، مهدی موعود (عج)، یکی از بارزترین و بدیهی‌ترین مسایل اسلامی و مورد تأیید و اعتقاد همه‌ی مسلمانان به ویژه شیعیان است، زیرا صدها آیات قرآنی و روایات نبوی این مسأله‌ی با اهمیت را به طور گسترده و مبسوط عنوان و مطرح ساخته‌اند و جزئیات آن را با بیاناتی دقیق و روشن، ذکر کرده‌اند، به طوری که ابهامی برای کسی باقی نگذاشته‌اند. تمامی فرق اسلامی - تقریباً - این آیات و روایات و مفاد آن‌ها را به نحوی در کتب حدیثی و کلامی و تفسیری و احیاناً رجالی و تاریخی خود متعرض شده‌اند و درباره‌ی آن به شکل‌های مختلف سخن گفته‌اند، تا جایی که می‌توان ادعا کرد که کم‌تر دانشمند و عالمی، بلکه مسلمانی یافت می‌شود که به این موضوع مهم و خطیر پرداخته، یا این که این مطلب به گوش او نرسیده باشد. شاهد روشن و قوی این مدعا، صدها کتابی است که در طول تاریخ با استفاده از این نام شریف و مقدس به وجود آمده است. اما این مسأله‌ی مقدس و بدیهی - بسان هر مسأله‌ی دیگر دینی و اسلامی حتی مانند الوهیت و ربوبیت و نبوت و رسالت - گه گاهی مورد سوء استفاده‌ی افراد یا گروه‌هایی البته با انگیزه‌های شخصی یا سیاسی، قرار گرفته و می‌گیرد و اهداف و اغراض خاصی از این عمل دنبال شده و می‌شود. مگر نه این که جهان همیشه شاهد این مطلب است که افرادی گستاخانه مدعی الوهیت یا ربوبیت شده و کوس خدایی زده‌اند و یا مدعی نبوت و رسالت شده و دعوی پیغمبری نموده‌اند؟! بدیهی است که این سوء استفاده‌ها و این ادعاهای مفتضح و رسوا، هرگز به اصل و اصالت این حقایق ضربه نمی‌زند و کسی نمی‌تواند با این بهانه که گه گاهی این نوع مطالب واقعی و ریشه‌دار در فطرت و عقل و مؤید به صدها بلکه هزاران دلیل، مورد سوء استفاده قرار گرفته یا می‌گیرد، آن‌ها را زیر سؤال ببرد و یا این که به نحوی در صحت اصل آن‌ها، تشکیک کند. از آن جا که مسأله‌ی حضرت بقیه الله الاعظم، مهدی موعود (عج)، که در آیات و روایات فراوانی خصوصیات آن مطرح شده است، نزد مسلمانان، مسأله‌ای مقدس و ظهور حضرتش همواره آرزوی آنان بوده است، از این قاعده مستثنا نبوده و نیست. این مسأله‌ی مهم از همان زمان ائمه‌ی اطهار علیهم السلام و حتی با وجود خود امامان - که جزو مبشران و نوید دهندگان به آن بوده‌اند - به نحوی مورد سوء برداشت قرار گرفت و با برخورد ائمه علیهم السلام، مواجه شد. این روند خطرناک و انحرافی در عصر غیبت صغری مخصوصاً پس از آن، به شکل‌هایی مانند ادعای دروغین (سفارت و نیابت خاصه) حضرت مهدی (عج) تجلی می‌نمود، که مورد تکذیب حضرت (عج) و هشدار آن وجود مقدس قرار می‌گرفت و مؤمنان تنها به سفرا و نواب واقعی

توجه داده می‌شدند. البته این حرکت در زمان‌های بعد، نه تنها در جوامع شیعی بلکه در جوامع سنی نیز ادامه پیدا کرد و از اعتقاد و علاقه‌ی مسلمانان به این مطلب مقدس و حساس و سرنوشت‌ساز، بی‌محابا و ناجوانمردانه بهره برداری می‌شد! با این حال، خوشبختانه با هشدارهای قوی و به موقع عالمان دین و صدور ده‌ها روایت که شمایل و نشانه‌های آن حضرت، شرایط ظهور و نحوه کار آن ذخیره‌ی الهی را بیان می‌کرد، ماهیت پلید آن حرکت‌های شوم و مغرضانه آشکار می‌شد و صاحبان آن مفتضح و رسوا می‌گشتند. این ماجرا سردرازی دارد که از حوصله‌ی این مقاله‌ی مختصر بیرون است. لذا ما در این جا تنها به بخشی از آن چه در دو قرن اخیر واقع شد و مسلمانان بخصوص شیعیان هنوز از تبعات و پیامدهای ناگوار آن رنج می‌برند، می‌پردازیم تا شاید گامی، در جهت تنویر اذهان باشد. آن چه فعلا- در این مقاله مطرح است، بررسی کوتاهی است درباره‌ی فرقه‌ای که متأسفانه، زمینه‌ساز پیدایش فرقه‌ی ضاله‌ی باییت و سپس بهائیت شد. لازم به تذکر است که این مقاله یک مرور اجمالی بیش نیست، و تفصیل کلام به شماره‌های بعد موکول می‌شود.

شیخیه؛ ریشه‌ی بهائیت

اگر بخواهیم تصویری جامع و گویا از فرقه‌ی ضاله‌ی بهائیت داشته باشیم، لازم است ریشه‌ی پیدایش بهائیت را مورد بررسی و دقت قرار دهیم. در حقیقت، بهائیت زائیده‌ی بابی‌گری است و بابی‌گری از کشفیه، و کشفیه هم فرزند ناخلف شیخی‌گری است. قهرا برای پی بردن به واقعیت بهائی‌گری باید ریشه‌ها و دامنه‌هایی را که در آن متولد شده و پرورش یافته است، بشناسیم. لذا قبل از ورود به بحث بهائیت، باید دو فرقه‌ی دیگر را مورد بررسی قرار بدهیم. ما در این جا اول فرقه‌ی شیخیه را مورد بحث قرار می‌دهیم.

شیخیه

شیخ احمد احسائی کیست؟

مؤسس فرقه‌ی شیخیه، شیخ احمد احسائی است. شیخ احمد احسائی فرزند زین‌الدین بن ابراهیم بن صفر بن راغب بن رمضان در سال ۱۱۶۰ هـ در قریه‌ای به نام مطیرفی از قراء احساء یا (لهسا) متولد شد. وی از اعراب صحرائین بود، ولی به خاطر اختلافی که بین جد دوم و سومش (دائر و رمضان) پیدا شد، به منطقه‌ی احساء رفتند. اجداد شیخ احمد از سنی‌های متعصب بودند، ولی آمدن آن‌ها به منطقه‌ی احساء که شیعه نشین بود، باعث شد تحت تأثیر شیعه قرار گرفتند. با این حال، به دلیل سابقه‌ی تعصب و صحرا نشینی، به نظر می‌رسد تشیع آن‌ها از روی تحقیق و تعقل نبوده است و چه بسا از باب هم رنگ شدن با محیط جدید بوده است.

اوصاف احسائی

برخی از مریدان وی اوصاف عجیب و غریبی را به او نسبت داده‌اند و از وی فردی استثنایی و دارای الهامات و امدادهای غیبی، ساخته‌اند، ولی بیشتر این اوصاف توسط پسرش به او الهام می‌شد. بیشتر اوصافی که به او نسبت داده شده، از ناحیه‌ی پسرش بوده که کتابی هم در وصف او نوشته است. مثلاً قبل از ۵ سالگی، یادگیری قرآن را تمام کرد. خود می‌گوید: «در ایام طفولیت، جسمم با بچه‌ها در حال بازی بود، ولی روحم در عالم دیگر بود. همیشه فکر می‌کردم و تدبیر می‌نمودم و بر همه مقدم بودم. در سنین کودکی، بر این عادت بودم که در خلوت‌هایم درباره‌ی اوضاع جهان و مردم می‌اندیشیدم که: کجایند ساکنین این عمارات که این بناها و کاخ‌ها را ساخته‌اند و وقتی متذکر احوال‌شان می‌شدم، می‌گریستم. در مجالس لهُو که در آن زمان شایع بود، می‌رفتم، ولی از آن کناره‌گیری می‌کردم. اگر هم جسمم با آن‌ها بود، ولی روحم در ملاً اعلی بود». لازم به تذکر است که در منطقه‌ای که او

سکونت داشت، موسیقی و غنا و امثال این‌ها خیلی رواج داشت تا آن‌جا که دستگاه موسیقی را بر درب خانه‌هایشان آویزان می‌کردند. درباره‌ی حافظه و هوشمندی خویش نیز می‌گوید: « دو ساله که بودم، سیلی آمد و همه چیز را برد جز یک مسجد و خانه‌ی عمه‌ام؛ حبابه. » که این سخن، حافظه‌ی قوی او را می‌رساند. گویند زمانی بر مقتولی گذر کرد، با عبارت فصیح به او خطاب نمود: « این ملکه، این شجاعتک، این قوتک؟ ملک و شجاعتت چه شد، نیرو و توانت کو؟ » و بعد بر دگرگونی زمان، می‌گریست. این فضایل مربوط به دوران طفولیت او است که مقدمه‌ای است برای ادعاهایی دیگر. به هر حال، اوصافی برای او ذکر نموده‌اند که لازمه‌اش، قداست و نبوغی خارق‌العاده است که در اصلا ب وی بی‌سابقه بوده و هدف از این کار، چیزی جز اغواء و فریفتن مردم نبود. نکته‌ی قابل توجه این است که: چنین اوصافی بعد از آن که وی، رییس این گروه گردید، توسط پسرش، بیان می‌شد تا مریدانش از او پیروی کنند.

علماء و احسانی

از علمای معاصر و غیر معاصر او، به خاطر عقاید باطله، چیزی جز تکفیر و تفسیق و نکوهش و ذم او نقل نشده است که به اسامی بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: ۱- سید محمد مجاهد؛ نویسنده‌ی مناهل (متوفی ۱۲۴۲ ه.ق). ۲- سید مهدی طباطبایی؛ فرزند نویسنده‌ی کتاب ریاض (متوفی ۱۲۶۰ ه.ق). ۳- شیخ محمد حسین؛ نویسنده‌ی فصول (متوفی ۱۲۶۱ ه.ق). ۴- سید ابراهیم قزوینی؛ مؤلف ضوابط (متوفی ۱۲۶۲ ه.ق). ۵- شهید سوم شیخ محمد تقی قزوینی (متوفی ۱۲۶۴ ه.ق). ۶- شیخ شریف العلماء (متوفی ۱۲۶۵ ه.ق). ۷- شیخ محمد حسن مؤلف جواهر (متوفی ۱۲۶۶ ه.ق). ۸- ملا آقا دربندی؛ مؤلف کتب خزائن الاصول و خزائن الاحکام (متوفی ۱۲۸۵ ه.ق). ۹- میرزا محمد باقر خوانساری؛ نویسنده‌ی روضات الجنات (متوفی ۱۳۱۳ ه.ق).

تحصیلات شیخ

شیخ بعضی علوم و بعضی از معارف را تحصیل نمود بی آن که برای او شفای قلبی حاصل شود و توشه‌ای معنوی برگیرد. خود می‌گوید: « در ۲۵ سالگی در خواب دیدم که کتابی در مقابل من باز شد و این قول خداوند: « الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی [۱] را چنین تفسیر می‌کرد: الذی خلق؛ یعنی اصل شی را که هیولا باشد، خلق کرد. فسوی؛ یعنی صورت نوعیه‌ی آن. قدر؛ اسباب آن. فهدی؛ یعنی از این نوع به خیر و شر هدایت کرد. بر اثر این خواب، انقلابی عجیب در من ایجاد شد که مرا از ادامه‌ی تحصیل علوم که ظاهری و غیرواقعی است، بازداشت. » بنابراین ادعا، این مطلب برایش از این علوم و معارف که آن‌ها را صرفاً ظاهری می‌داند، بهتر است! زیرا گویی منادی غیبی، او را مورد خطاب قرار داده است، چیزی شبیه به وحی یا اشراق و الهام. در ادامه می‌گوید: « پس از عزلتی چند، و در نفس خود، امور دیگری را احساس کردم ». مریدان او ادعا کرده‌اند که شیخ، علمش را از عالم اعلی گرفته است برخلاف دیگران که با همه‌ی سعی و کوشش وافر خود از آن عاجز هستند، برای او در علوم مختلف، ۳۰۰ تألیف ذکر کرده‌اند و تنها یک هزارم فضایل او مطرح شده است. در هر فن و علمی از تمام متخصصان بالاتر است. گفته شده ایشان سفرهای زیادی به بلاد مختلف داشته، خصوصاً بلاد و شهرهایی که دارای حوزه‌ی علمیه بوده و علمای بزرگ در آن زندگی می‌کردند. شرکت در درس آن علما باعث شد که علوم زیادی فرا گرفته و از او یک عالم بزرگ و شخصیتی مقدس و متقی بسازد. منتها این ادعا را اموری تکذیب و از اهمیت آن می‌کاهد که اینک آن‌ها را برمی‌شماریم: ۱- بنابر آن چه که از ایشان نقل شده است یا به او نسبت داده‌اند، او نه برای آموختن، بلکه صرفاً برای آزمایش علما در دروس شرکت می‌کرد. ۲- بنابر تصریح خود یا نقلی که از او شده است، با دیدن آن خواب، حقایق علوم را دریافت و به او الهام گشت. ۳- ادعای این که علم او لدنی بود. گویند: بعضی از علوم مانند فلسفه و تصوف و بعضی علوم غریبه را در سفرهایش آموخت و به دلیل همین علوم یا به خاطر اعتماد بر بعضی

از روایات که معنای آن را نفهمیده بود، دچار چنین سرانجامی شد. شیخ احمد احسائی در اوایل امر به تقوی، زهد و ورع توصیف شده است و لذا بعضی او را مدح کرده‌اند. لیک با بیان اعتقادات غلو آمیز و ادعاهایش، انحراف او مشخص گشت. بدین سبب، علما به تکفیر او حکم دادند.

شیخ احمد احسائی و تشیع

شیخ احمد احسائی دارای مسلکی اخباری بود. او به اموری غریب معتقد بود که با اعتقادات شیعه‌ی امامیه که در طول قرون متمادی در کتب کلامیه و اعتقادی‌های خود به صورت مختصر و مطول بیان کرده‌اند، فاصله‌ی زیادی دارد. مواردی از اعتقادات شیخ را برمی‌شماریم: ۱- ائمه را به عنوان علل اربع برای عالم ذکر کرده است (علل فاعلی، مادی، صوری، غایی). این غلوی است که عقل و شرع مقدس از آن ابا دارد. ۲- اصول دین ۴ تا است: معرفت الله، معرفت انبیاء، معرفت ائمه، معرفت رکن رابع؛ که شیوخ و بزرگان شیخیه هستند. ۳- قرآن، کلام نبی صلی الله علیه و اله است. شیخ با این کلام، منکر وحی بودن قرآن است. ۴- اتحاد حق با خلق؛ یعنی الله تعالی با انبیاء، شیء واحدی هستند. ۵- تفسیر معاد به معنای غیر متعارف و بیگانه از آن چه علمای کلام می‌گویند. ۶- تفسیر امام به شیء غریب که همراه با غلو، شرک و خرافه است که قرآن و شرع مقدس، مخالف چنین امری است. ۷- اعتقاد به رکن رابع که از مختصات این فرقه است. دلیل اعتقاد به رکن رابع: برای هر سلطانی، ۴ وزیر است و اگر این چهار وزیر نباشند، ملک و سلطنت از بین می‌رود و کم و زیاد کردن آن‌ها هم جایز نیست: ۱- وزیر عدل؛ ۲- وزیر انفاق؛ ۳- وزیر جنگ؛ ۴- وزیر دارایی و مالیات. چون خداوند و نبی و امام از جنس بشر نیستند، لازم است بین آن‌ها و خلق، شیوخ آن‌ها واسطه و موضوع تجلی حق باشند. این‌ها این اصل را در مقابل سفارش ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام در رجوع به فقهاء که قدرت استنباط احکام را از کتاب، سنت، عقل و اجماع دارند و حجت بر عوام هستند، قرار داده‌اند. ۸- اعتقاد عجیب و غریب شیخ در مورد امام عصر (عج)، استهزای آن حضرت است که شبیه به کلام منکرین است و گفته است امام غایب در پشت پرده‌ی غیبت چه فایده‌ای دارد؟ وی گفته است: ان الامام الحجة خاف وفر الى العالم حور قلیائی؛ امام عصر به خاطر ترس به عالم حور قلیایی گریخت. ۹- اعتقاد به حقانیت فرقه‌ی شیخیه و عقاید آن و تصریح به بطلان جمیع فرق شیعه حتی امامیه. ۱۰- نفی عدل که نزد شیعه از اصول دین است. شیخ احمد احسائی در یکی از کتاب‌هایش به خلفا حمله کرد. به همین دلیل، حکومت عثمانی که در آن وقت بر عراق، سیطره داشت، به کربلا حمله کرد، عده‌ای از اهالی آن جا را کشت، خانه‌ها را آتش زد و ویران کرد. در این میان، خانه‌ای جز خانه‌ی سید کاظم رشتی شاگرد شیخ احمد احسائی سالم نماند. شیخ که مسبب این فتنه بود، خود در امان ماند. مدتی بعد به حجاز رفت و در آن جا مورد احترام قرار گرفت. این در حالی بود که حکام آن دیار، سنتی بود و زیر نظر حکومت عثمانی قرار داشتند. به هر حال شیخ در ۵۷ سالگی به سال ۱۲۴۱ ه از دنیا رفت و در بقیع به خاک سپرده شد. شاگردان شیخ، مروجان عقاید او و مورد عنایت ناصرالدین شاه بودند، (او به دنبال معارضه و مقابله با قدرت علمای شیعه بود) و کارهای آنان به اختلاف بین صفوف شیعیان انجامید، خصوصا در آن زمان که شیعیان عراق تحت حکومت متعصب سنی عثمانی بوده و به اتحاد، نیاز شدید داشتند. سعی همیشگی استعمار بر این بود که مراجع را که ملجأ و پناه شیعیان، بودند از میان بردارد. سید کاظم رشتی که در کلاس درس او شرکت و عقاید او را ترویج می‌داد، بعدها فرقه‌ی کشفیه را تأسیس کرد. بعد از مرگ شیخ، فرقه‌ی او به شعب مختلف تقسیم شد مانند: کرامیه، احقاقیه، حجت الاسلامیه و باقریه که هر یک از این‌ها افکار مخصوص به خود را داشتند.

کشفیه

سید کاظم رشتی کیست؟

سید کاظم رشتی فرزند سید قاسم رشتی گیلانی حائری، ایرانی الاصل بود و در سال ۱۲۱۲ ه متولد شد. بعضی گفته‌اند نسبش از سادات حسینی بوده، ولی بعضی گفته‌اند که اصلاً سید نبوده، بلکه این یک اسم مستعاری است؛ زیرا در یزد با نام احمد احسائی به فعالیت می‌پرداخت. وی در ۲۱ سالگی به کربلا رفت و تا آخر عمر در آنجا ماند و عقیده‌ی شیخ را ترویج می‌کرد. بعد از وفات شیخ، از بین مشایخ شیخیه، وی چون جرأت زیادی در اظهار عقاید سلف خود داشت یا به خاطر اسباب خارجی و سیاست مداران خارجی، به عنوان رئیس انتخاب شد. او بر عقاید سلف خود، اوهامی جدید افزود و ادعاهای شبیه به کشف داشت. شاید به همین خاطر، به آن‌ها کشفیه می‌گویند. سید کاظم ۲۰ سال رئیس فرقه بود و بین پیروانش در ایران و عراق، رکن رابع بود. او می‌گفت: فقط ما شیعه‌ی کامل هستیم.

تالیفات

سید رشتی، کتب زیادی قریب به ۱۲۰ کتاب، تألیف کرد که در بر دارنده‌ی امور غریبه و ادعاهایی عجیب است و از غلو و خرافه درباره‌ی ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام آکنده است. او غالباً کتاب‌هایش را با رمز می‌نوشت. افندی عبدالباقی عمری فاروقی موصلی، در مدح سلطان عثمانی که پرده‌ای از پرده‌های حرم نبوی را برای مرقد موسی بن جعفر علیه‌السلام به عراق فرستاد، قصیده‌ای دارد و در آن به یکی از فضائل امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام اشاره می‌کند که حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود: أنا مدینه العلم و علی بابها. افندی این کلام را به صورت شعر درآورد و گفت: هذا رواق مدینه العلم الذی من بابها قد ضل من لا یدخل سید کاظم رشتی این بیت را شرح کرد و گفت: این مدینه‌ای عظیم در آسمان است و ائمه علیهم‌السلام در آن ساکن هستند. بعد این مدینه را توصیف می‌کند که این مدینه، ۲۱ محله دارد و ۳۶۰ کوچه. سپس برای هر یک از آن‌ها نام عجیب و صاحبی با اسم عجیب ذکر می‌کند. این‌ها مطالبی شبیه اساطیر و خرافات است که دین و عقیده را به مسخره و استهزاء گرفته است. وقتی این شرح اسطوره‌ای به شاعر رسید، گفت: چنین سخنی به ذهن من هم خطور نکرده بود. سید محمود آلوسی مفتی بغداد که در عناد با شیعه معروف است، سید کاظم را مورد احترام قرار داد. وی وصف عجیبی را برای او بیان می‌کند و می‌گوید: اگر سید رشتی در زمانی بود که آمدن نبی امکان داشت، پیامبر بود و من نخستین کسی بودم که به او ایمان می‌آوردم؛ چون شرایط نبوت را از نظر اخلاقی و علم کثیر و عمل به سجایای انسانی داراست. آیا چنین ستایشی از طرف مخالفین، دلالت بر رضایت آن‌ها از این فرد فاسد العقیده ندارد و آیا دلیل بر این نیست که آن چه رشتی گفته و نشر داده، مخالف راه و روش اهل بیت علیهم‌السلام بوده است؟

سید کاظم رشتی و مهدویت

سید کاظم رشتی، مهدویت را به صورتی موهوم مطرح می‌کرد. برای مثال می‌گفت: الآن مهدی در بین شماست. او حتی مبلغینش را به اطراف می‌فرستاد که: آماده باشید، آقا می‌آید و گاهی می‌گفت: آقا بین خود شماست. به خاطر همین افکار خرافاتی و موهوم، یکی از شاگردان بارزش به نام علی محمد باب ادعا کرد که من باب امام زمان هستم. بعد ادعا کرد که خود مهدی هستم. مردم هم دور او را گرفتند و زیربنای بابیت شکل گرفت. سید کاظم رشتی، شاگردانی را تربیت کرد که متأسفانه بعضی از آن‌ها از اهل علم بودند. آنان عقاید و افکار او را در مناطقی از ایران از جمله؛ کرمان، آذربایجان و تبریز ترویج دادند. احسائی و رشتی، نایبی را معرفی نکردند، ولی بعضی‌ها در بعضی مناطق ادعا کردند که نایب سید هستند. سید کاظم، قریب به ۱۵۰ تألیف داشت که برخی از آن‌ها شرح بعضی از ادعیه است. با تأویلاتی غریب شبیه به داستان. سید کاظم در سال ۱۲۵۹ هجری درگذشت و فرزندش سید احمد، رئیس فرقه شد.

پاورقی

[۱] الاعلی، ۲ و ۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

(ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
 (ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

(ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بپدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

